



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس (الثالث: الكنز)
موضوع جزئی: مقام دوم: تفسیر کنز (جهت چهارم - جهت پنجم)
سال پنجم

تاریخ: ۱۹ اسفند ۱۳۹۳
مصادف با: ۱۹ جمادی الاولی ۱۴۳۶
جلسه: ۸۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در بحث از مقام دوم یعنی تفسیر کنز عرض کردیم در چند جهت باید بحث کنیم. البته وجه اینکه کنز را باید تفسیر کنیم این است که معلوم شود کدام کنز متعلق خمس است؟ چون تارة کنز به همان معنای لغوی و عرفی متعلق خمس واقع می شود لذا بعضی معنای کنز را محدود به صنف خاصی دانسته اند و بعضی معنای وسیعتری قائل بودند و اخری با اینکه از نظر بعضی کنز لغتاً و عرفاً معنای عامی دارد اما حکم و جوب خمس بر صنف خاصی از کنز ثابت شده است لذا دیدید در این جهات سه گانه ای که بحث کردیم معمولاً این دو جهت یعنی بحث موضوعی و بحث حکمی مطرح شد.

سه جهتی که مورد بحث بود یکی بحث از اعتبار قید مستوریت فی الارض بود. دوم بحث از اعتبار قصد ادخار بود و سوم هم بحث از اعتبار جنس خاصی در معنای کنز یا حکم کنز بود. به تفصیل پیرامون این سه جهت بحث کردیم. دو جهت دیگر باقی مانده که در این دو جهت هم همان دو حیث به نوعی مطرح است.

جهت چهارم: مدت ستر

جهت چهارم پیرامون مدت ستر فی الارض یا غیر ارض است که در این جهت هم دو حیث باید مورد بررسی قرار گیرد: یکی اینکه آیا کنز مفهوماً مختص به اشیائی است که برای مدت طولانی در زمین مستور شده اند یا مدت اعتبار ندارد؟ آیا کنز لغتاً و عرفاً مربوط به اشیاء باقیمانده از انسان هایی است که در قدیم الایام زندگی می کردند و الان منقرض شده اند یا اختصاص به اموال چنین انسان هایی ندارد؟ به هر حال سخن در این است که در مفهوم کنز، مدت و زمان و یا تعلق به مردم خاصی مدخلیت دارد یا نه؟ به عبارت دیگر آیا کنز به هر چیزی که از زمین کشف می شود ولو مربوط به صد سال قبل (مدت زمان کوتاهی) باشد اطلاق می شود یا کنز مفهوماً عبارت از مالی است که از زمین کشف شود و مربوط به مثلاً هزار سال قبل (مدت زمان طولانی از دفن آن گذشته) باشد؟ آیا مدت خاصی در تحقق عنوان کنز مدخلیت دارد یا ندارد؟ آیا تعلق مال و شیء قیمتی به مردم خاصی که در زمان های بسیار دور زندگی می کردند، مدخلیت دارد یا نه؟

حیث دیگر اینکه خمس در چه صورت در کنز ثابت می شود؟ یعنی بر فرض ما معنای کنز را عام دانستیم و گفتیم مدت خاصی در صدق عنوان کنز لغتاً و عرفاً اعتبار ندارد. آیا حکم ثبوت خمس به نحو عام ثابت است یا برای خصوص مثلاً کنزهایی که مربوط به زمان های بسیار دور هستند؟

حیث اول

از حیث اول ظاهراً مدت خاصی اعتبار ندارد. یعنی لغتاً و عرفاً کنز به مطلق مال مستور که دارای قیمت است اطلاق می‌شود، اعم از اینکه مربوط به هزار سال قبل باشد یا صد سال قبل. پس در مفهوم کنز قید ستر در مدت زمان طولانی مدخلیت ندارد. البته یک نکته است که آن را بعداً عرض خواهیم کرد و آن اینکه اگر می‌گوییم مدت طولانی اعتبار ندارد ولی آن شیء مکنوز باید به گونه‌ای باشد که واجد بتواند مالکش شود و الا اگر به نحوی باشد که نتواند مالک شود، مثلاً مالک داشته باشد قهراً از بحث ما خارج است اما اجمالاً فی نفسه با قطع نظر از سایر شرایطی که در صدق عنوان کنز و در ثبوت حکم در کنز مدخلیت دارد، این قید در کنز مفهوماً معتبر نیست؛ یعنی این گونه نیست که کنز فقط به اموالی که در زمین مستور است و مربوط به زمان‌های بسیار دور است اطلاق شود. همین الان اگر در یک خانه یا زمینی یک مالی را از زمین کشف کنند که مربوط به صد سال یا دویست سال قبل باشد، از نظر عرف و لغت، این کنز محسوب می‌شود؛ چون در هیچ کتاب لغتی این قید ذکر نشده که کنز به چیزی می‌گویند که در زمین برای مدت طولانی مستور شده باشد.

حیث دوم

از حیث دوم یعنی ثبوت خمس هم به نظر می‌رسد این قید مدخلیت ندارد و اگر کسی قائل شد که عنوان کنز بر مطلق اموال مستور صدق می‌کند چه مستور در مدت طولانی باشند و چه مستور در مدت کوتاه، قهراً اطلاقات ادله خمس کنز، خمس را در کنز به همین معنا ثابت می‌کند. ولی اگر کسی در حیث اول معتقد شد کنز به خصوص اموال مستوره به مدت طولانی اطلاق می‌شود، آن وقت در حیث دوم هم ناچاراً خمس را باید فقط در خصوص همان کنز ثابت بداند چون اساساً کنز در نظر این قائل به مالی اطلاق می‌شود که مدت زمان طولانی فی الارض مستور باشد و اگر مثلاً مدت زمان کمی در خاک پنهان شده باشد اساساً عنوان کنز بر آن اطلاق نمی‌شود. اما عرض شد که این نظر محل اشکال است.

نتیجه

لذا در جهت رابعه که بحث از اعتبار مدت طولانی در صدق عنوان کنز یا ثبوت خمس در کنز است نتیجه و نظر صحیح این است که این قید در هیچ یک از این دو حیث مدخلیت ندارد. ستر در مدت طولانی هیچ تأثیری در صدق عنوان کنز ندارد و قهراً ادله هم خمس را در عنوان کنز ثابت می‌کند اعم از اینکه آن مال مربوط به دوره‌های بسیار دور باشد یا مربوط به دوره‌های اخیر باشد.

سؤال: بالاخره مقدار زمانی لازم است که عنوان کنز بر آن صدق کند؟

استاد: مالی که پیدا می‌شود، یا مالکش معلوم است که بحثی دیگر ندارد و یا معلوم نیست که مجهول المالك می‌شود و احکال مجهول المالك بر آن بار می‌شود. بحث از عدم اعتبار مدت معین این نیست که اگر حتی دیروز هم در خاک گذاشتند و معلوم است مالک دارد اما معلوم نیست چه کسی است، خمس در آن ثابت شود؛ اگر مثلاً برای صد سال یا دویست سال قبل باشد، ولی مالک آن معلوم است به اینکه برای فلان خاندان است و الان هم نسل و ورثه آنها معلوم است، خمس داشته باشد. این اصل همیشه باید مورد نظر باشد که قابلیت مالک شدن واجد باید باشد. این را در بحث مقام ثالث که بحث از ملکیت واجد است عرض خواهیم کرد؛ چون در مقام ثالث بحث این است که چه زمانی واجد مالک می‌شود و

در چه صورتی واجد نمی‌تواند مالک شود. همه این بحث‌ها مربوط به فرضی است که واجد بتواند مالک شود و اگر نتواند مالک شود از بحث ما خارج است.

جهت پنجم: عدم مملو کیت بالفعل للغير

جهت پنجم که به نوعی مربوط به همین مقام دوم یعنی تفسیر کنز است، این است که آیا در مفهوم کنز غیر مملوک بودن للغير بالفعل مدخلیت دارد یا ندارد و همچنین آیا در ثبوت خمس بر کنز، این جهت مدخلیت دارد یا ندارد؟ پس در جهت پنجم سخن در اعتبار عدم ملکیت غیر نسبت به شیء خارج شده است. همان دو حیث در این جهت هم باید مورد بررسی قرار بگیرد:

حیث اول

اینکه باید ببینیم عرفاً و لغتاً کنز به چه مالی اطلاق می‌شود؟ آیا مالی که مملوک غیر است و مالک دارد ولو مالکش معلوم نیست ولی اصل ملکیت غیر لهذا المال محرز است، عنوان کنز بر آن صدق می‌کند یا نه؟ آیا عدم فعلیت ملکیت غیر نسبت به این مال در صدق لغوی و عرفی کنز مدخلیت دارد یا ندارد؟ یعنی آیا کنز از نظر موضوعی به چیزی اطلاق می‌شود که مالک نداشته باشد یا اگر مالک هم داشته باشد عنوان کنز بر آن صادق است؟ اگر مثلاً مالی را از زمین کشف کردیم که مربوط به ده سال قبل است ولی معلوم است که مالک دارد هر چند ما مالکش را نمی‌شناسیم، آیا عنوان کنز بر آن صدق می‌کند یا نه؟ پس در حیث اول سخن از مدخلیت قید عدم فعلیت ملکیت غیر لهذا المال است. اینجا هم شاید لغتاً و هم عرفاً به مالی که مملوک غیر است نتوان عنوان کنز را اطلاق کرد نتوان استفاده کرد. قطعاً می‌توان ادعا کرد عرف به مال کشف شده از زمین در حالی که مالک دارد عنوان کنز اطلاق نمی‌کند؛ اصلاً در ذهن عرف وقتی گفته می‌شود گنج پیدا شد یعنی یک مالی است که کأن مالک ندارد و این متعلق به واجد است. لذا به نظر می‌رسد در مفهوم کنز قید عدم ملکیت غیر نسبت به مال، مدخلیت دارد یعنی تا زمانی که مال، مالک داشته باشد ولو از زیر خاک هم پیدا شود عرف به آن کنز اطلاق نمی‌کند. پس قید عدم فعلیت ملکیت غیر نسبت به مالی که از زمین کشف می‌شود، در تحقق عنوان کنز مدخلیت دارد. حداقل این است که اگر از نظر لغت و وضع لغوی معنای کنز عام باشد لکن به خصوص مال مستوری که مالک ندارد، انصراف پیدا می‌کند.

حیث دوم

از حیث ثبوت خمس اختلافی نیست که خمس در کنزی ثابت است که مالک نداشته باشد هر چند از جهت صدق عنوان کنز قائل باشیم، کنز بر آن اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر اگر ما معتقد باشیم عدم ملکیت غیر در معنای کنز مدخلیت ندارد ولی ادله خمس قطعاً خمس را در کنزی ثابت می‌کند که مملوک واجد باشد چون تا چیزی ملک انسان نباشد و فائده‌اش عائد انسان نشود متعلق خمس نمی‌شود. این یک قاعده کلی است که خمس در صورتی ثابت است که آن شیء در ملکیت انسان باشد. در مورد غنیمت و معدن و کنز و همچنین امور دیگر هم همین طور است.

لذا در اینکه خمس فقط در کنزی ثابت است که مالک ندارد و ملک واجد و یابنده است تردیدی نیست و همه در این جهت اتفاق دارند که در صورتی خمس ثابت است که کنز در ملکیت واجد در بیاید اما در حیث اول اختلاف است. اگر چه ما در

حیث اول هم گفتیم مفهوماً کنز بر مالی اطلاق می‌شود که مالک نداشته باشد اما ممکن است کسی بگوید کنز یک معنای عامی دارد و هر چیزی که از زیر زمین کشف شود، چه مالک داشته باشد و چه نداشته باشد، عنوان کنز بر آن صدق می‌کند، ولی خمس در آن ثابت نیست.

پس در جهت پنجم از حیث اول اختلاف وجود دارد ولی در حیث دوم اختلافی نیست. آن حیثی که محل اختلاف است در مورد صدق عنوان کنز است که عنوان کنز آیا بر مالی که از زمین کشف می‌شود و مالک دارد اطلاق می‌شود یا نه؟ نظر ما این بود که اطلاق نمی‌شود؛ کنز فقط به مالی اطلاق می‌شود که دیگری مالک آن نباشد اما در حیث دوم اختلافی نیست یعنی خمس فقط در کنزی ثابت است که غیر نسبت به آن مالک نباشد.

«هذا تمام الکلام فی المقام الثانی»

بحث جلسه آینده: مقام ثالث در مورد ملکیت واجد است یعنی اینکه کنز ملک چه کسی است و چگونه به ملکیت واجد در می‌آید در جلسه آینده این مسئله و فروع آن را بیان خواهیم کرد و مورد رسیدگی قرار خواهیم داد.

«الحمد لله رب العالمین»